

معرفی و نقد کتاب

اطلاعات و امنیت بین‌المللی؛ دستور جلسات و چشم‌اندازهای جدید^۱



قاسم ترابی^۲

محتوای کتاب

کتاب حاضر مشتمل بر هشت فصل می‌باشد که با هدف پاسخ‌دهی به سوالاتی در ارتباط با حوزه اطلاعات و امنیت بین‌الملل نوشته شده است. از جمله سوالات

۱. Len Scott, R. Gerald Hughes and Martin S. Alexander, Intelligence and International Security, New Perspective and Agendas, Routledge, ۲۰۱۱, pp.۱۷۳

۲. استادیار و عضو هیأت علمی روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان torabi@merc.ir

مهم کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره نمود. سازمان‌های اطلاعاتی در عرصه جهانی شدن، متنوع‌شدن تهدیدات و امکان شکل‌گیری تروریسم و کشتار جمعی، چگونه باید عمل کنند؟ در ارتباط با مسئولیت و حقوق بشر کدام یک باید در اولویت سازمان‌های اطلاعاتی باشند؟ آیا در صورت وجود تهدیدات امنیتی سازمان‌های اطلاعاتی باید حقوق بشر را فدای مسئولیت در برابر امنیت ملی کنند؟ آیا زمان آن فرا نرسیده که سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای غربی به شکلی با هم همکاری نزدیکی داشته باشند؟ برای پاسخ‌دهی به این سوالات، نویسنده ابتدا در مقدمه کتاب به بیان اهمیت موضوع و معرفی ساختار کتاب پرداخته است. وی با توجه به اتفاقات روی داده طی چند سال گذشته، بیان داشته که اطلاعات هیچ‌گاه به اندازه امروز اهمیت نداشته است. اهمیت اطلاعات و همکاری‌های اطلاعاتی به حدی است که امنیت ملی و جهانی به وجود آن بستگی دارد. بنابراین انتخاب موضوع اطلاعات برای تحقیق و تفحص، یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های جهان امروز است. نویسنده کتاب سپس در فصل دوم به موضوع اصلاحات در سازمان‌های اطلاعاتی غربی با تاکید بر سازمان‌های اطلاعاتی انگلستان و آمریکا پرداخته است. نویسنده معتقد است که با توجه به ناکامی‌های سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در جریان حوادث ۱۱ سپتامبر و در حمله به عراق، تردیدی باقی نمانده است که این سازمان‌ها باید اصلاح گردند. مؤلف در فصل بعدی به دنبال پاسخ به این سوالات است که چگونه می‌توان بین «پاسخ‌گویی و مسئولیت ملی سازمان‌های اطلاعاتی» و «همکاری با سایر کشورها» توازنی ایجاد کرد. آیا نهادهای منطقه‌ای می‌توانند ابزاری برای همکاری‌های اطلاعاتی کشورها در مقابله با تهدیدات جدید باشند؟ آیا واقعا کشورها با تمامی توان خود همکاری در حوزه اطلاعاتی را بر رقابت ترجیح خواهند داد؟

نویسنده در فصل بعدی به موضوعی تاریخی پرداخته است. در این فصل تلاش شده تا نحوه و شیوه ارزیابی انگلستان از تهدیدات مسلمانان و نحوه برخورد با آنها طی سال‌های ۱۹۵۱-۱۸۴۰ مورد ارزیابی قرار گیرد. انگلستان در آن سال‌ها بزرگترین استعمارگر جهان محسوب می‌شد و اکثر سرزمین‌های اسلامی تحت استعمار و نفوذ این کشور قرار داشتند. در نتیجه دولت انگلستان تلاش داشت به هر شکل ممکن با ارزیابی درست از وضعیت تهدیدات در کشورهای اسلامی، همچنان نفوذ خود را بر این کشورها حفظ کند. فصل بعدی برای پاسخ به این سوالات نوشته شده است که سازمان‌های اطلاعاتی در شرایط جدید چگونه باید با اصول حقوق بشر رفتار کنند؟ آیا همچنان باید رعایت اصول حقوق بشر در اولویت باشد و یا اینکه با توجه به تهدیدات جدید باید به گونه‌ای دیگر عمل کرد. این دقیقاً بحثی بود که بین دولت بوش و مخالفان وجود داشت. بسیاری دولت بوش را متهم می‌کردند که به بهانه وجود تهدیدات تروریستی و تغییر ماهیت و شرایط فعالیت‌های اطلاعاتی، سازمان‌های اطلاعاتی را وادار به انجام اقدامات ضدانسانی نموده است. دولت بوش در این زمینه حتی متهم بود که با صراحت دستور استفاده از انواع شکنجه علیه متهمان به عملیات تروریستی را داده است. بررسی این موضوع مهم‌ترین بخش این فصل را به خود اختصاص داده است.

نویسنده در فصل بعدی موضوع مهم ایجاد «سازمان اطلاعاتی اتحادیه اروپا» را مطرح می‌کند. در واقع یکی از مهم‌ترین مسائلی که کشورهای عضو اتحادیه اروپا با آن مواجه هستند این سوال است که آیا اتحادیه اروپا نباید یک سازمان اطلاعات مرکزی داشته باشد؟ به تعبیری دیگر، با توجه به اینکه اتحادیه اروپا در مسیر یکپارچه شدن اقتصادی قدم‌های اساسی برداشته و در زمینه سیاست

خارجی و نظامی مشترک نیز پیشرفت‌هایی داشته است، آیا نیازمند همکاری‌های اطلاعاتی در قالب یک سازمان مرکزی نیست؟ در فصل بعدی نویسنده قصد دارد همکاری اطلاعاتی بین آمریکا و کانادا در خلال جنگ سرد را به عنوان یک نمونه و در چارچوب نظریه‌های روابط بین‌الملل مورد بحث قرار دهد. در واقع وی می‌خواهد این موضوع را بررسی کند که آیا امکان همکاری کشورها در حوزه اطلاعات همچون سایر حوزه‌ها وجود دارد؟ در فصل بعدی جایگاه جنگ در سیاست خارجی آمریکا و تاثیرات جنگ ویتنام بر نوع نگاه آمریکایی به جنگ و صلح موضوع بحث است. نویسنده در اینجا اشاره می‌کند که آمریکایی‌ها با توجه به دوری از جنگ‌های بزرگ، درک کاملی از ماهیت زشت و پیامدهای ویران‌گر جنگ ندارند. به همین دلیل هر از گاهی درگیر جنگ‌های همچون جنگ ویتنام و عراق می‌شوند. در ابتدا این جنگ‌ها تاثیرات گسترده‌ای بر سیاست خارجی آمریکا می‌گذارد، اما چندی بعد گویا تجربیات فراموش می‌شوند و جنگ جایگاهش را در سیاست خارجی آمریکا بازمی‌یابد.

نقد محتوایی

معمولاً در ارتباط با حوزه اطلاعات، کتب و مقالات محدودتری به نسبت سایر حوزه‌های مرتبط نوشته می‌شود. از جمله علل این موضوع، در حاشیه بودن مباحث اطلاعاتی و امنیتی در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی عمومی و همچنین حساسیت‌های موجود در این حوزه است. تحت تاثیر این عوامل، معمولاً مباحث اطلاعاتی و امنیتی از منظر سطح علمی تا اندازه‌ای عقب‌تر از رویه‌های عملی هستند. با عنایت به این موضوع، کتاب حاضر از جمله معدود کتاب‌هایی است که از نظر محتوایی تلاش داشته تحولات جاری در حوزه اطلاعات و رابطه بین

سازمان‌های اطلاعاتی و امنیت را مورد بررسی قرار دهد. در نتیجه این امر، مطالعه آن می‌تواند کمک فراوانی به درک تحولات جاری در عرصه اطلاعاتی کشورهای غربی به خصوص انگلستان و آمریکا نماید. ضمن اینکه مطالعه فصول مختلف کتاب می‌تواند خواننده را با نوع نگاه و زاویه دید کشورهای غربی در مورد مسائل حساس بین‌المللی همچون تروریسم و تسلیحات کشورهای جمعی آشنا سازد. همچنین یکی دیگر از نکات مثبت کتاب از منظر محتوایی، تلاش برای ترکیب دیدگاه‌های نظری با رویه‌ها و واقعیات موجود است؛ به عبارت دیگر نویسندگان در این کتاب تلاش داشته‌اند تا با تطبیق نظریه‌ها با واقعیات اطلاعاتی، هم‌توانایی آنها را برای تبیین واقعیات موجود مورد ارزیابی قرار دهند و هم‌زمینه را برای رشد هم‌زمان دانش نظری و علمی در حوزه اطلاعات مهیا سازند.

با وجود این از منظر محتوایی نکاتی در کتاب مشاهده می‌شوند که شایسته دقت نظر بیشتری بوده‌اند. از جمله اینکه در سرتاسر کتاب مسائل با زاویه دید کشورهای غربی و به خصوص انگلستان و آمریکا نوشته شده است. به عنوان نمونه، تعریف تروریسم و تهدید، تعریف کشورهای هدف و سایر عوامل تهدیدزا و تهدیدزدا، همگی از زاویه دید کشورهای غربی مورد بررسی قرار گرفته است که این امر به جامعیت کتاب و ویژگی‌هایی که باید در یک اثر علمی باشد ضربه زده است. به هر حال باید بین کتاب‌هایی که به شکلی علمی نوشته می‌شوند و گزارش‌هایی که جنبه سیاست‌گذاری دارند تفاوتی وجود داشته باشد، که این موضوع در این کتاب کمتر دیده می‌شود. در این راستا، مطالب کتاب به شکلی نوشته شده است که گویا تمامی کشورها، گروه‌ها و سازمان‌های اسلامی عوامل تهدید و سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای غربی عامل تهدیدزدا هستند. این در شرایطی است که کشورهای غربی و اصولاً کلیه کشورهای جهان، امروزه با

تهدیدات و فرصت‌های متنوع و پیچیده‌ای مواجه هستند که نایده‌گرفتن آن‌ها خود بخشی از مشکل است. با این حال ویراستاران کتاب هیچ اشاره‌ای به آنها نکرده‌اند و دنیا را صرفاً سیاه شامل کشورهای اسلامی و سفید شامل کشورهای غربی دیده‌اند.

نقد روشی

کتاب حاضر از منظر روشی دارای نکات مثبت فراوانی است. از جمله این که کتاب از نظر روشی توسط بهترین کارشناسان حوزه اطلاعاتی و امنیتی نوشته شده است. واقعیت این است که معمولاً این چنین کتاب‌های از نظر علمی سطح بالاتری دارند، چرا که از تجربیات و دانش افراد بیشتری در آنها استفاده می‌شود. به تعبیری دیگر تعداد نویسندگان باعث شده است که دیدگاه‌ها و رویکردهای متفاوت و متنوعی در کتاب وجود داشته باشند و خواننده درک عمیق‌تر و کامل‌تری از حوزه بحث به دست آورد. بنابراین روش نوشتن دست‌جمعی باعث ارتقا کیفیت کتاب از نظر علمی شده است. با این وجود همین نقطه قوت مشکلاتی نیز به وجود آورده است. از جمله این که به دلیل تعداد نویسندگان، بین فصول مختلف کتاب انسجام لازم وجود ندارد. این عدم انسجام به حدی است که اگر فصول مختلف کتاب به شکل مجزا خوانده شوند تفاوت‌چندانی نخواهد داشت. به عنوان مثال، در حالی که یکی از فصل‌ها در مورد تجربه انگلستان در مدیریت تهدیدات مسلمانان قبل از جنگ جهانی دوم بحث می‌کند، در فصلی دیگر در مورد رابطه بین مسئولیت و حقوق بشر در فعالیت‌های سازمان‌های اطلاعاتی بحث شده است. همچنین در شرایطی که در یک فصل در مورد نظریه‌های روابط بین‌الملل و امکان همکاری اطلاعاتی بحث شده است. در فصل

دیگر موضوع جایگاه جنگ در سیاست خارجی آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین از نظر روشی آن انسجام و پیوستگی لازم بین مباحث و فصول مختلف کتاب دیده نمی‌شود. بخشی از این موضوع به این موضوع برمی‌گردد که کتاب مجموعه‌ای از مقالاتی است که توسط افراد مختلف در مجلات متعدد طی سال‌های مختلف چاپ شده‌اند.

در نهایت باید گفت با وجود این نکات مثبت و منفی، کتاب در حوزه‌ای نوشته شده است که معمولاً گرایش کمتری به آن وجود دارد و در نتیجه آثار بسیار محدودی در این ارتباط چاپ می‌شوند؛ بر این اساس کتاب حاضر را می‌توان از محدود کتاب‌هایی ارزیابی نمود که طی چند سال گذشته در حوزه اطلاعات و امنیت به شکل علمی نوشته شده‌اند. به همین دلیل مطالعه آن به اساتید و کارشناسان حوزه امنیت، اطلاعات و همچنین دست‌اندرکاران این حوزه حیاتی و مهم توصیه می‌شود.